

نگاهی نو به موسیقی و رقص (کتاب)

نویسنده خلاصه: مجتبی خواجهوند عابدینی
نویسنده کتاب: علی اسماعیل‌پور

چکیده

نگاهی نو به موسیقی و رقص نوشته علی اسماعیل‌پور جنبه‌های مختلف موسیقی و رقص را بررسی می‌کند. این کتاب موضوعاتی چون معنای غنا، فعلیت و شأنیت طرب، و ملاک تشخیص غنا را تحلیل می‌کند. نویسنده دیدگاه‌های مختلف درباره غنا، از جمله ارتباط آن با صوت و کلام و همچنین حکم غنا در ایام جشن و سرور را بررسی و درباره شرایط جواز غنا در عروسی‌ها و حکم موارد مشکوک بحث می‌کند. در نهایت نیز تحلیلی از دیدگاه‌های فقهی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع غنا و موسیقی آورده می‌شود.

معرفی اجمالی

کتاب نگاهی نو به موسیقی و رقص نوشته علی اسماعیل‌پور را نشر زمزمه جاوید منتشر کرده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۴۰۱ در ۲۰۳ صفحه منتشر شده است. این کتاب، بدون اینکه مباحث را به فصل‌های و بخش‌های مختلف تقسیم کند، جنبه‌های مختلف موسیقی و رقص را ذیل عناوینی پراکنده مطرح و بررسی کرده است. نویسنده مباحث مختلفی مثل موسیقی، تعریف و معنای رقص، رقص از نگاه روایات و حکم رقص از نگاه مراجع تقلید را آورده (ص ۶۵-۸۷) و دیدگاه‌های فقهی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع غنا و موسیقی را تحلیل کرده است (ص ۹۲-۱۶۴). بخشی از این کتاب مطالبی پراکنده و گوناگون درباره رقص است که چون ارتباط چندانی با بحث فقه معاصر ندارد، در این مقاله مطرح نشده است.

مفهوم‌شناسی غنا

نویسنده کتاب را با مقدمه‌ای درباره موسیقی و انواع آن آغاز می‌کند، سپس به تعریف غنا و قیود مرتبط به آن اشاره و معنای لغوی و اصطلاحی غنا را تحلیل می‌کند. در ادامه نیز دو تعریف مختلف از غنا می‌آورد (ص ۵-۲۹).

غنا از مقوله صوت یا کلام؟

غنا مربوط به صوت است یا کلام یا ترکیبی است از هر دو؟ نویسنده در بررسی مفهوم غنا به این سؤال پاسخ می‌دهد و سه دیدگاه را مطرح می‌کند: ۱. برخی معتقدند غنا فقط به کلام مربوط است؛ ۲. گروهی دیگر بر این باورند که غنا به کیفیت صوت مربوط می‌شود و ۳. برخی از علما غنا را ترکیبی از صوت و کلام می‌دانند. به باور نویسنده، دیدگاه سوم به واقعیت نزدیک‌تر است؛ زیرا دو نظریه اول پیامدهای نادرستی دارند. نویسنده در ادامه، پیامدها را مطرح می‌کند (ص ۳۰-۳۵).

فعلیت و شأنیت طرب

مراد از «طرب»، طرب بالفعل است یا طرب بالقوه؟ نویسنده توضیح می‌دهد که تعیین عوامل موجب حرمت غنا به این بستگی دارد که آیا تأثیر بالفعل غنا بر شنوندگان یا خود خواننده

مد نظر است یا فقط شأنیت چنین حالتی. به باور نویسندگان، بررسی ادله و براهین لغوی و فقهی می‌آموزد که برای ایجاد واقعیت طرب، فعلیت تحقق آن ضرورتی ندارد. او همچنین به فقهایی اشاره می‌کند که در مبانی فقهی خود شأنیت را ملاک ایجاد طرب می‌دانند (ص ۲۸-۳۰).

ملاک تشخیص غنا

نویسندگان در مورد ملاک تشخیص غنا می‌نویسند که با مراجعه به متون فقهی قدما و متأخران به این نتیجه می‌رسیم که بیشتر فقها عرف را ملاک و مقیاس تعیین مصداق غنا دانسته‌اند. او در ادامه بحث عرف را مطرح می‌کند و معتقد است که عرف وقتی موضوع حکم شرعی قرار می‌گیرد، خودش تابع متغیرهایی چون زمان، مکان و اوضاع مختلف فرهنگی و اجتماعی می‌شود و وقتی موضوع تغییر کند، حکم نیز به تبع آن تغییر می‌کند. از آنجا که مفهوم غنا به تبع تغییر عرف متحول می‌شود، نمی‌توان یک تعریف جامع و مانع عرفی برای غنا ارائه کرد، بلکه برای تشخیص معنای غنا باید به کتاب و سنت روی آورد (ص ۳۷-۴۳).

حکم غنا در ایام جشن و سرور

به باور نویسندگان، از برخی روایات رایج نوعی اذن و رخصت برای نوعی خاص از آوازخوانی برداشت می‌شود. به گفته وی، اکثر قریب به اتفاق فقها متعرض استثنای غنا در ایام عید و هنگام شادی نشده‌اند و ظاهر اطلاق کلامشان ظهور بر حرمت ذاتی آن دارد؛ چراکه زمینه شادی مجوز حلیت غنا نیست. البته اگر به غنایی که در بعضی روایات مطرح شده توجه کنیم، می‌یابیم که حکم حرمت شرعی غنا موضوعی است، نه حکمی؛ یعنی موضوعاً از بحث غنا خارج است، نه آنکه غنا باشد ولی استثنائاً حکم حرمت آن برداشته شده باشد (ص ۴۴-۴۹).

شرایط جواز غنا در عروسی‌ها

به باور نویسندگان، فقها دو موضوع حدی و آوازخوانی زنان در عروسی‌ها را از حکم کلی حرمت استثنا کرده‌اند. او به نقل از شیخ زین‌العابدین مازندرانی، فقیه قرن سیزده و چهارده قمری هشت شرط را ذکر می‌کند که اگر محقق شوند، آوازخوانی زنان در مجالس عروسی جایز است. نویسندگان در ادامه نظر فقهای متقدم و متأخری را ذکر می‌کنند که غنا در عروسی‌ها را از حکم کلی حرمت غنا استثنا نکرده‌اند (ص ۵۰-۵۹).

حکم موارد مشکوک

نویسندگان موارد مشکوک را مطرح و با تقسیم شبهات به مصداقی و مفهومی، حکم غنا را بررسی می‌کنند. به باور نویسندگان، اگر در اصل تکلیف شک وجود داشته باشد، اصل برائت جاری می‌شود؛ بنابراین در صورت احراز نشدن تحقق موضوع و شک در تعلق حکم حرمت غنا، اصل برائت را جاری می‌کنیم و شنیدن آن را حلال می‌دانیم. البته برخی از علما اصل احتیاط را ذکر کرده‌اند (ص ۶۲-۶۵).